

نگاهی به رمان «خاله‌بازی» اثر بلقیس سلیمانی با رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌یر گیرو

رویا دریایی^۱، نزهت نوحی^۲، حیدر حسنلو^۳

چکیده

یکی از برجسته‌ترین زیر شاخه‌های نظریه نشانه‌شناسی، رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی است. این رویکرد با تبیین نشانه‌ها، معانی نهفته در آن‌ها را آشکار می‌سازد و بر نشانه‌های هویت، آداب و معاشرت تکیه دارد. از آنجاکه متون ادبی به‌ویژه رمان بستری مناسب و گسترده برای بازتاب نشانه‌هاست این مقاله در پی آن است که بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی - تحلیلی به بررسی رمان اجتماعی خاله‌بازی بپردازد؛ برای رسیدن به اهداف خود از رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌یر گیرو بهره‌می‌گیرد. یافته‌های این جستار می‌تواند دریچه‌ای نو از واقعیت‌های اجتماعی و زندگی به روی خوانندگان خود بگشاید. هدف این مقاله نزدیک‌تر کردن خواننده به مقصود و منظور نویسنده در رمان یادشده است. مهم‌ترین سؤالات تحقیق این است که بسامد این نشانه‌ها و رمزگان‌های به‌کاررفته در این رمان چگونه است و تا چه حدی توانسته است واقعیت‌های اجتماعی را بازتاب دهد؟ این رمان به نظر می‌رسد برای بررسی نشانه‌شناختی، به‌ویژه مطالعه نشانه‌های اجتماعی بر پایه نظریه پی‌یر گیرو از ظرفیت خوبی برخوردار باشد؛ زیرا نویسنده با بهره‌گیری آگاهانه از انواع رمزگان مانند هویت، آداب معاشرت، خوراک، پوشاک و ... مسائل و ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دوره معاصر را در فضای داستان طرح کرده و توانسته است با استفاده از شیوه‌های گوناگون ارتباط کلامی و غیرکلامی، در نمایش دقیق هویت و موقعیت اجتماعی شخصیت‌های داستان و کمک به درک بهتر مخاطب از وضعیت اجتماعی موردبحث، توفیق‌یابد.

واژگان کلیدی: نشانه‌شناسی اجتماعی، پی‌یر گیرو، بلقیس سلیمانی، خاله‌بازی، رمان اجتماعی.

۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. نویسنده مسئول

۳. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

۱. مقدمه

رویکرد نشانه‌شناسی (semiotics) در مطالعات پژوهشی سال‌های اخیر جایگاه ویژه‌ای را در میان تحقیقات صورت گرفته کسب نموده است. از آنجاکه نشانه‌شناسی اجتماعی یکی از زیرمجموعه‌های علم نشانه‌شناسی به شمار می‌رود، در نوع خود می‌تواند به نمایان ساختن شاخص‌های عقیدتی - سیاسی، موقعیت‌های اجتماعی و نموده‌های فرهنگی در بافت آثار مختلف کمک نماید. البته زمانی اهمیت این رویکرد بیش از پیش نمایان خواهد شد که شاخص‌های آن، در متون واقع‌گرا اعمال شود؛ زیرا در این صورت داده‌های استخراج شده به شکل چشمگیر و قابل توجهی منطبق بر واقعیت‌های اجتماعی خواهد بود. در این راستا نشانه‌های به کار رفته در رمان خاله‌بازی بیش از همه منعکس‌کننده موقعیت‌ها و شرایط فرهنگی - اجتماعی در میان طبقات و قشرهای مختلف اجتماع ایران در دوره معاصر به ویژه جوامع روستایی و شهری است، زیرا نویسندگان، رمان خود را طوری طرح‌ریزی نموده است که شخصیت اصلی آن ابتدا در جامعه روستایی به دنیا آمده و دوران کودکی خود را در محیط روستا سپری می‌کند و برای ادامه تحصیل وارد دانشگاه و محیط زندگی شهری می‌شود و به شکل محسوسی همه وقایع و اتفاقات را در هر دو محیط از نزدیک لمس می‌کند.

همان‌طور که اشاره شد، بخش قابل توجهی از وقایع رمان خاله‌بازی در دو محیط متفاوت روستایی و جامعه شهری به روند خود ادامه می‌دهد. تقابل فرهنگ‌ها و آداب و رسوم، تقابل انسان‌ها در دو محیط متفاوت شهری و روستایی در آن کاملاً آشکار است. نشانه‌های هویت از قبیل: خوراک، شغل، دین، پوشاک و غیره همچنین نشانه‌های آداب معاشرت در آن قابل تجزیه و تحلیل است. تمایز طبقات مختلف اجتماعی در زمینه پوشاک، خوراک، مسکن و شغل از جمله مباحثی است که در این جستار بدان‌ها پرداخته شده است. این رمان از جمله رمان‌هایی به شمار می‌رود که در دوره معاصر و در دهه‌های اخیر با محوریت شخصیت زن و به سبک زنانه و توسط یک نویسنده زن در ایران نوشته شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که نویسنده مسائل اجتماعی و فرهنگی جامعه معاصر ایران از جمله مسائل روز زنان در جوامع روستایی و

شهری را با استفاده از نشانه‌ها و رمزگان‌های اجتماعی نمایان ساخته و درعین حال دیدگاه‌ها و اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های خود را نیز بیان داشته‌است. این نشانه‌ها توانسته‌اند تا حد امکان، باورها، فقر فرهنگی، ظلم و ستم در حق زنان و نگاه سنتی نسبت به آنان را بخصوص در جوامع روستایی ترسیم کنند.

۱-۱- روش تحقیق، سؤالات تحقیق و فرضیه تحقیق

در این نوشتار تلاش می‌شود، رمان خاله‌بازی که یک رمان اجتماعی و واقع‌گرایانه به شمار می‌رود از منظر شاخص‌های نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌ریزی و بررسی شود. این مقاله که از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای بهره برده‌است کوششی برای پاسخ به پرسش‌های زیر است.

- ۱- بارزترین رمزگان‌ها و نشانه‌های اجتماعی در این رمان کدام‌اند و چه رویکردی را دنبال می‌کنند؟
- ۲- بسامد نشانه‌ها و رمزگان‌های اجتماعی به‌کاررفته در این رمان چگونه است و چگونه واقعیت‌های اجتماعی را بازتاب می‌دهند؟

به نظر می‌رسد برای بررسی نشانه‌شناختی، به‌ویژه مطالعه نشانه‌های اجتماعی بر پایه نظریه پی‌ریزی، این رمان از ظرفیت بالایی برخوردار باشد؛ از این جهت که نویسنده با انتخاب و گزینش شخصیت‌های امروزی و ملموس و با شکل بخشیدن به ماجراهای رمان در دو فضای مختلف و متفاوت شهری و روستایی بسیاری از مسائل اجتماعی را به شکل مستقیم و غیرمستقیم به تصویر کشیده و جذابیت‌های لازم را برای نسل امروزی ایجاد کرده‌است.

۱-۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

درباره موضوع یادشده تاکنون پژوهشی مستقلی انجام نگرفته‌است و انجام چنین پژوهشی ضروری دانسته‌شد؛ زیرا ادبیات و متون ادبی و بخصوص رمان بستر مناسبی برای شناخت حیات فرهنگی و اجتماعی یک ملت به شمار می‌رود و در این میان نشانه‌های اجتماعی، پدیده‌ای والا و ارزشمندی محسوب می‌شود. یافته‌های این تحقیق می‌تواند دریچه‌ای تازه از زندگی و واقعیت‌های اجتماعی به روی خوانندگان بگشاید و خواننده را بیش از پیش به مقصود و منظور نویسنده رمان نزدیک‌تر سازد.

۱-۳- پیشینه تحقیق

با وجود تنوع موضوعاتی که با رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی به این مسئله پرداخته‌اند. تا به حال تحقیقی با این رویکرد بر روی کتاب خاله‌بازی از بلقیس سلیمانی صورت نگرفته است. در اینجا به چند مورد از مقاله‌هایی که با این رویکرد نوشته شده اشاره می‌گردد. مالمیر و یوسفی (۱۴۰۲) «نشانه‌شناسی اجتماعی مقتلِ سرالأسرار جلیلی کرمانشاهی از منظر پی‌یر گیرو» / کنعانی و همکاران (۱۴۰۲) «بررسی کارکردهای پوشاک و زیورآلات در دیوان قانع بر اساس رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌یر گیرو» / میر هاشمی (۱۴۰۲) «نشانه‌شناسی اجتماعی نمایشنامه «جعفرخان از فرنگ آمده» بر اساس نظریه پی‌یر گیرو» / گرجیان داردکاشتی و همکاران (۱۴۰۲) «تحلیل و نقد نشانه‌شناسی اجتماعی مخزن‌الاسرار نظامی با تکیه بر نظریه هویت پی‌یر گیرو» / طایفی، مدنی رزاقی (۱۴۰۱) «خوانش انتقادی رمان (نام تمام مردگان یحیاست) با رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌یر گیرو» / «بازنمود نشانه‌های هویت اسلامی در رمان الرجل الذی آمن بر پایه نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌یر گیرو» / جواد و همکاران (۱۴۰۰) / «نشانه‌شناسی اجتماعی رمان کولی کنار آتش با تکیه بر نظریه پی‌یر گیرو» / احمدی و ناجی / نقابی و اکبری (۱۳۹۹) «تحلیل اجتماعی-فرهنگی سفرنامه حاج سیاح بر پایه نظریه نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌یر گیرو» / عموری و خلیلی (۱۳۹۹) «نشانه‌شناسی اجتماعی مقامات حریری با تکیه بر نظریه پی‌یر گیرو» / پژمان فرد (۱۳۹۹) «نشانه‌شناسی اجتماعی رمان بادبادک‌باز» / در جای جای این مقالات متنوع نگاشته شده، با رویکرد نشانه‌شناسی، با تکیه بر نظریه پی‌یر گیرو، موقعیت‌های اجتماعی، شاخص‌های عقیدتی و نموده‌های فرهنگی در بافت آثار مختلف به چالش کشیده شده است؛ ولی هنوز مسائل، سؤالات و شبهاتی در این مقوله مغفول و بی‌جواب مانده است. این تحقیق می‌تواند از حیث کشف روابط و لایه‌های زیرین و دست‌یافتن به پیام‌های تربیتی، اخلاقی، اجتماعی، روانشناسی و زبان‌شناسی رمان «خاله‌بازی» از سلیمانی کاری نو به شمار آید؛ و از طرفی می‌تواند به ارتباط بین علم نشانه‌شناسی و زندگی اجتماعی در این اثر کمک قابل توجهی کرده باشد.

۲- مبانی نظری تحقیق

۲-۱ - **نشانه‌شناسی:** نشانه‌شناسی علم مطالعه نشانه‌هاست. به عبارت دیگر مطالعه همه عواملی که در تولید و تفسیر نشانه‌ها شرکت دارند. علم نشانه‌شناسی توسط فردینان دو سوسور (de Saussure) طراحی شد. این شاخه از علم به بررسی زندگی نشانه‌ها در دل زندگی اجتماعی می‌پردازد «این علم یکی از رویکردهای برجسته در تحلیل متون است که نشانه‌ها و معانی نهفته در آن‌ها را مطالعه می‌کند.» (پیرس، ۱۳۸۱: ۵۱) از عام‌ترین تعریف‌های نشانه‌شناسی این است که «نشانه‌شناسی با هر چیزی که بتواند یک نشانه قلمداد شود سروکار دارد.» (اکو، ۱۳۸۷: ۷) درواقع «نشانه‌شناسی علمی است که به مطالعه نظام‌های نشانه‌ای نظیر زبان‌ها، رمزگان (code)، نام‌های علامتی و غیره می‌پردازد.» (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۳) به هر حال دامنه نشانه‌شناسی بیش از آنکه تصور شود گسترده است، نشانه‌شناسی می‌تواند هر نوع ارتباط و هر چیزی که بر چیز دیگر دلالت کند و در قلمرو آن جای گیرد را شامل شود. «نشانه‌شناسی مطالعه نظام‌مند همه عواملی است که در تولید و تفسیر نشانه‌ها یا در فرایند دلالت شرکت دارند.» (مکاریک، ۱۳۸۴: ۳۲۶)

۲-۲ - **نشانه‌شناسی اجتماعی (social semiotics):** نشانه‌شناسی اجتماعی یکی از زیرشاخه‌های علم نشانه‌شناسی محسوب می‌شود. این زیر شاخه از نشانه‌شناسی به معنای متن در بافت اجتماعی و فرهنگی توجه دارد و «به مطالعه زندگی نشانه‌ها در جامعه می‌پردازد. این علم بخشی از روانشناسی اجتماعی و در نتیجه روانشناسی عمومی است.» (اسکولز، ۱۳۸۳: ۳۵) نشانه‌های اجتماعی از روابط میان انسان‌ها و گروه‌ها سخن می‌گویند. از دیدگاه گیرو «نشانه‌های اجتماعی، رمزگان‌هایی هستند که به شخص توانایی شناخت محیط و اطرافیان را می‌دهد از این طریق شخص می‌داند با چه کسی رابطه دارد و هویت اشخاص و گروه‌ها را بازمی‌شناسد.» (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۷۷)

گیرو رمزگان‌های اجتماعی و نشانه‌ها را به سه دسته و گروه تقسیم نموده است: نشانه‌های هویت، نشانه‌های آداب معاشرت و سرشت نشانه‌های اجتماعی (etiquette signs). هدف این رویکرد از

نشانه‌شناسی پی بردن به حقایق اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، باورها، آداب و رسوم، اخلاقیات و... در متون گوناگون از طریق بررسی و تحلیل نشانه‌های موجود در متن است؛ بنابراین، بررسی پدیده‌های گوناگون اجتماعی و فرهنگی بر اساس نشانه‌شناسی اجتماعی گامی به‌سوی شناخت جوامع است. درواقع «بدون استناد به واقعیت‌های اجتماعی، عوامل و بافت اجتماعی و فرهنگی که همه‌چیز در آن به‌هم پیوسته است، نمی‌توان واقعیت‌های زبانی و به‌طورکلی نشانگان را درک کرد.» (لویی، ۱۳۷۹: ۸۰) در این رویکرد از نشانه‌شناسی، جامعه می‌تواند سرچشمه معانی و اشکال نشانه شناختی باشد که درک آن در نگاه اول بر همگان کاملاً آشکار نیست و نیاز به تامل و دقت فراوان دارد. این معانی و اشکال نشانه شناختی می‌توانند در پس رفتارهای غیرکلامی، ارتباطات اجتماعی و تمامی اعمالی که بخشی از فرهنگ و ارتباطات افراد را می‌سازد پنهان شده باشند. کاریران اجتماعی می‌توانند این نشانه‌ها و رمزگان‌ها را بر اساس تجربه و روابط اجتماعی و فرهنگی شان معنا کنند.

۲-۳ - بلقیس سلیمانی: بلقیس سلیمانی نویسنده و منتقد ادبی ایرانی است. در سال ۱۳۴۲ در کرمان به دنیا آمد. شاید همین محل تولد و گذراندن دوران کودکی در این منطقه باعث شده که رمان‌ها و نوشته‌های او رنگ و بوی اقلیمی داشته باشند و او را نویسنده‌ای بدانیم که در تألیف رمان‌هایش دغدغه بومی‌گرایی دارد. سلیمانی دانش‌آموخته رشته فلسفه در مقطع کارشناسی ارشد است. آثار وی ویژگی خاصی دارند. یکی از خصوصیات بارز در آثارش، حضور و نقش پررنگ زنان در آن است. سلیمانی قلم‌زدن در حوزه ادبیات داستانی را تقریباً از دهه هشتاد آغاز نموده است. از بلقیس سلیمانی آثار داستانی زیادی به چاپ رسیده است. «شب طاهره» (۱۳۹۴)، «من از گورانی‌ها می‌ترسم» (۱۳۹۳)، «سگ سالی» (۱۳۹۲)، داستان بلند «روز خرگوش» (۱۳۹۰)، «مجموعه پتری که مرا دوست داشت» (۱۳۸۹)، «به هادس خوش آمدید» (۱۳۸۸)، «خاله بازی» (۱۳۸۷)، «مجموعه داستان بازی عروس و داماد» (۱۳۸۶)، «بازی آخر بانو» (۱۳۸۴)؛ علاوه بر آن از سلیمانی هشتاد مقاله در مطبوعات به چاپ رسیده است و برخی از داستان‌هایش به زبان‌های انگلیسی،

ایتالیایی و عربی ترجمه شده است. او داوری جایزه‌های ادبی را نیز بر عهده داشته است. وی که به عنوان داستان‌نویس شناخته می‌شود، دستی نیز بر نقد دارد و پژوهشگر است.

۲-۴ - پی‌یر گیرو (Pierre Guiraud): پی‌یر گیرو زبان‌شناس و نویسنده فرانسوی (۱۹۱۲-۱۹۸۳)

است. او استاد زبان‌شناسی در دانشگاه نیس بود. وی از جمله زبان‌شناسانی است که موضوع بررسی نشانه‌های اجتماعی برای فهم معانی پنهان و ضمنی متن را مطرح می‌کند. مهم‌ترین اثر وی کتاب نشانه‌شناسی اوست. مهم‌ترین بخش کتاب وی فصل نظریه نشانه‌شناسی اجتماعی (رمزگان‌های اجتماعی) است. وی بر این باور است که «نشانه‌های اجتماعی رمزگان‌هایی هستند که به شخص توان شناخت محیط و اطرافیان را می‌دهد ... و هویت اشخاص و گروه‌ها را باز می‌شناسد» (گیرو، ۱۳۸۳: ۱۷۷) وی نشانه‌های اجتماعی را از دو زاویه جداگانه هویت و آداب معاشرت مورد بررسی قرار می‌دهد. نشانه‌های هویت را در مقوله‌های مختلف همچون: نام‌ها و القاب، نشان‌ها و مدال‌ها، یونیفرم‌ها، گروه‌های شغلی و دینی، آرایش‌ها و غیره جستجو می‌کند و نشانه‌های آداب معاشرت را در مؤلفه‌هایی همچون اطوار پژوهی و فاصله پژوهی، لحن کلام و ... بررسی می‌کند. گیرو عقیده دارد که بامطالعه نشانه‌ها و درک معانی نهفته در آن‌ها می‌توان به رهیافتی ژرف از تمایز اندیشه‌ها دست یافت. وی نشانه‌های اجتماعی را در یک فصل جداگانه در کتاب نشانه‌شناسی به شکل زیر بررسی کرده است.

نشانه‌شناسی اجتماعی در کتاب نشانه‌شناسی پی‌یر گریو در یک نگاه

۱-آرم‌ها، پرچم‌ها، توت‌ها و غیره ۲- یونیفرم‌ها و پوشش‌ها، غذاها، شغل‌ها و غیره ۳- نشان‌ها و مدال‌ها و... ۴- خال‌کوبی، آرایش، مدل مو و غیره ۵- نام‌ها و القاب ۶- شاخص‌ها ۷- علائم تجاری و غیره...	نشانه‌های هویت (نشان‌ها و شاخص‌ها)	
۱-توهین (صورت‌های منفی کلام) ۲-لحن کلام ۳- سلام و خدا حافظی (صورت‌های مثبت کلام) و...	کلامی	نشانه‌های آداب و معاشرت
۱-لحن کلام ۲- اطوارپژوهی، ۳- فاصله پژوهی، ۴-خوراک و غیره ...	غیرکلامی	
۱-میتاق‌ها ۲- آیین‌ها ۳- مدها ۴- بازی‌ها و غیره ..	سرشت نشانه‌های اجتماعی (رمزگان‌ها)	نشانه‌های اجتماعی

۳- نشانه‌شناسی رمان خاله‌بازی

خلاصه رمان خاله‌بازی

خاله‌بازی روایت زندگی زنی نازا به نام ناهید است. ناهید در یک محیط روستایی به دنیا آمده است. این دختر زمانی که به سن نوجوانی پا می‌گذارد، آثار بلوغ را همانند دختران دیگر در خود نمی‌بیند و مداوای سستی مادرش و قابله‌های روستا کاری از پیش نمی‌برد. ناهید به دلایلی که غیر از خود و مادرش کسی از آن خبر ندارد به خواستگاران خود در روستا جواب رد داده است. وی به تحصیلات خود ادامه داده و در دانشگاه تهران در رشته ادبیات پذیرفته می‌شود و در حین تحصیل به عنوان منشی در مطب دکتر متخصص زنان و مامایی کارکند. در این زمان است که وی درمی‌یابد که فاقد تخمدان بوده و تا آخر عمر نازاست. او که اکنون دانشجوی ادبیات در دانشگاه تهران است با جوانی به نام مسعود آشنا می‌شود. مسعود

از او درخواست ازدواج می‌کند، اما ناهید با توضیح نقص خود، پیشنهادش را رد می‌کند. از سویی، اصرارها و سماجت‌های مسعود برای ازدواج با او نشان می‌دهد که وی با آگاهی کامل موضوع را پذیرفته‌است. مسعود با آگاهی از نقص نازایی ناهید بالأخره با او ازدواج می‌کند؛ اما پس از مدتی برخلاف نگاه آرمانی اوایل ازدواج، فشارهای خانواده مسعود و اطرافیان و خلأ وجود فرزند، فضای اندیشه مسعود را پر می‌کند تا جایی که با اجازه ناهید، با سیما ازدواج می‌کند. ازدواج دوم مسعود با رضایت ناهید انجام می‌شود. مسعود از سیما صاحب دو فرزند می‌شود. مسعود در تمام این سال‌ها، شب‌هایش را میان دو خانه تقسیم می‌کند. ناهید به عنوان زنی شاغل و تحصیل کرده، نه تنها باری بر دوش مسعود نگذاشته‌است بلکه همواره حامی مالی و عاطفی او بوده‌است و سیما زن دوم مسعود برخلاف ناهید، زنی سنتی و عامی است و تحمل تقسیم شوهرش را باکسی دیگر ندارد و لذا در نیمه‌راه زندگی خودکشی می‌کند. ناهید که همواره سکوت اختیار کرده، پس از مرگ سیما، از مسعود و از زندگی‌ای که قرار است به او تحمیل شود، می‌گریزد. مدتی بعد از جدایی از مسعود از دوست همخوابگاه دوران دانشجویی خود (حمیرا) که او را با خصوصیات هم‌چون: کرم کتاب، شلخته، دزد یخچال، احساساتی، فمینیست، آنارشیست و پسر باز می‌شناخت ایمیل‌هایی دریافت می‌کند که نشان می‌دهد با مسعود ازدواج کرده و جای او را برای همیشه پر کرده است.

۳- ۱- نشانه‌های هویت (signs of identity): نشانه‌های هویت یکی از شاخص‌های نشانه‌های

اجتماعی به شمار می‌آید و عبارت‌اند از «نام‌ها، القاب، گروه‌ها، مکان‌ها، نشانه‌های ظاهری، آرم‌ها، پرچم‌ها و توت‌م‌ها» (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۱۷) اهمیت نشانه‌های هویت در آن است که می‌توانند هویت اشخاص و گروه‌ها را بازشناسانند. هویت عامل تمایزدهنده هر فرد، گروه یا ملتی است. هویت در اصطلاح «عبارت است از مجموعه خصوصیات و مشخصات فردی و اجتماعی و احساسات و اندیشه‌های مربوط به آن‌ها که فرد از طریق توانایی کنش متقابل با خود و یافتن تصویری از خود به دست می‌آورد و در پاسخ سؤال من کیستم ارائه می‌دهد» (جوادی یگانه، ۱۳۸۷: ۱۸۷) «هویت در یک مقوله‌بندی در دو سطح قابل بررسی است: اول هویت فردی که به کسب آن، شخص به لحاظ جسمی و عقلی از فرد یا افراد متمایز می‌شود؛ دوم هویت

جمعیتی که به سبب آن یک گروه، قوم و ملتی از دیگران بازشناسی می‌شوند.» (حیاتی، ۱۳۸۶: ۶۶) «هویت عبارت است از احساس تمایز، تداوم و استقلال شخصی.» (ژاکوبسن: ۱۹۹۸: ۹) «هویت یعنی مختصات ویژه فرد و متمایزکننده او از دیگران.» (اولسن، ۲۰۰۲: ۳۴)

۳-۱-۱ - نام‌ها و القاب

«نام شخصیت‌های روایی از ابزارهای مهمی است که نویسنده به کمک آن‌ها به اندیشه و مضمون ژرفا می‌بخشد.» (عبدالخالق، ۲۰۰۹: ۳۷۵) در این میان نام‌ها و القاب، از عمومی‌ترین نشانه‌های هویت اشخاص به‌شمار می‌آیند و از نظر نویسنده معرف ارتباط و تعلق آن‌ها به گروه، خانواده، شغل یا هویتی خاص هستند. گیرو می‌گوید: «این نشانه‌ها کارکردی تمایز بخش دارند و بیانگر رده‌های اجتماعی هستند.» (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۴۸)

جدول فراوانی نام‌ها و القاب رمان خاله‌بازی

نام و نام خانوادگی	للی، شهین، فروغ، حمیرا، ناهید (دانشجویان هم خوابگاه ناهید: ۶)، خانم صدقیانی (دوست و همکار ناهید در اداره: ۱۱)، مهبان (دختر مسعود: ۲۷)، نگین (دختر محمود: ۱۷) فاطمه (زن خدمتکار در خانه مسعود: ۶۷) دکتر یاسایی (دکتر متخصص مامایی: ۸۰) فاطمه خانم (همسر مهندس نوحی) و طاهره روستایی (۱۱۵) بداشتی (اسم فامیلی ناهید: ۱۱۴) فاطمه (دوست خانم معلم خواهر مسعود: ۱۲۱)، مهری (خواهر مسعود: ۱۲۱)، اکرم (زن منصور: ۱۳۵) سمیه (بچه مهری: ۱۳۸) روشنگر (بچه دکتر یاسایی: ۱۵۶) فریبا (دوست ناهید: ۱۶۱) خانم جاهد (همکار مسعود: ۲۱۰) سکینه (خدمتکار خانم یاسایی: ۱۵۵)
نام و نام خانوادگی	ستاره (اسم دیگر ناهید: ۱۹)، سیما (زن دوم مسعود: ۲۷)، حاجیه نساء (مادر ناهید: ۴۷) صنوبر (خاله ناهید) و خیرالنسا (زن جادوگر: ۴۷)، ماه جان (زنی که به واسطه سقط جنین مرده: ۵۶) توران (دختر عمه ناهید: ۶۹)، گلجان (عمه ناهید) و راحله (زن یعقوب: ۷۱)، ملکه روستایی (دختر عمه ناهید) و رقیه و قمر (دو خواهر ناهید: ۸۸)، مونا (دختر کوچک قمر: ۱۰۰)، آفو

(زن یدو دراز: ۱۶۲)، صنم (دختر بزرگ یدو دراز: ۱۶۴)، ریحانه (دختر کوچک یدو دراز: ۱۶۴)، (مش گلبس: ۱۷۷) رباب (مادر خانم صدقیانی: ۱۹۳)، احترام السادات (زن بیوه هوی رباب: ۱۹۵) زهره (زن دکتر زینعلی: ۱۸۳)، ماه گل (زن عین الله خان: ۲۱۹)، شاه گل (دختر چوپان: ۲۲۳)	
مسعود (همسر ناهید : ۱۵)، آقا نادر (شوفر و خواستگار حمیرا: ۱۲) <u>مهیار (پسر مسعود : ۲۷)</u> آقا محمود (از فامیل مسعود که زنش مرده : ۱۷) دکتر شفقتیان (همکار ناهید : ۱۲) جهانشاهی (صاحبخانه مسعود در خانه دوم : ۳۶)، دکتر زینعلی (دامپزشک روستا : ۷۵) دکتر شکیب (استاد دانشگاه) و دکتر میلانی (استاد دانشگاه : ۱۱۳)، مهندس نوحی: ۱۱۸، دکتر پروایی: ۱۲۹، شعاعی (از بچه های انجمن اسلامی: ۱۲۵)، دکتر اشتیاقی (از پزشکان بیمارستان: ۱۳۰) رمضان (دایی مسعود: ۱۳۴)، روزبه (فرزند منصور: ۱۳۵)، احمد (مستاجر خانواده مسعود: ۱۳۶)، هاشم (شوهر مهری: ۱۳۶) سلطانی (معلم خصوصی پسر مهندس نوحی: ۱۴۱)	نام و نام خانوادگی مردان شهری
حاج عزیز الله (مرد دو زنه: ۲۸) <u>یوسف (پسر عمه ناهید: ۴۷)</u>، غلام (پسر خاله و اولین عشق ناهید: ۴۷) <u>خیرالله (عموی خیرالنسا: ۵۰)</u>، حسینقلی خان (مرد معتاد: ۵۱)، مراد قلاگر (مردی که بچه دار نمیشد: ۵۶)، رعنا (دختر صنوبر خاله ناهید: ۵۷)، رحیم (برادر ناهید : ۵۶)، مش رحمان (از مردان روستا : ۶۰)، یعقوب (پسر عمه ناهید دستیار دامپزشک زینعلی : ۷۰)، ابوالفضل (پسر عمه ناهید : ۷۱)، یدالله (شوهر عمه گلجان : ۷۲)، امیر حسین (بچه راحله) و ماشاءالله (دایی ناهید: ۸۶)، مرتضی (شوهر قمر راننده کامیون : ۸۹)، حسن (شوهر رقیه: ۸۹)، علیرضا (پسر احمد ترکه: ۹۸)، احسان (پسر قمر: ۱۰۰)، مش اسحاق (پدر ناهید) و غلامحسین خان از ملاکان رفسنجان: ۱۷۲، موسی راننده: ۱۷۶، مش ذبیح: ۱۹۵، شفیع (راننده قایق: ۱۹۶)، کربلایی مصطفی (مرد قاطر سوار) و عباس (برادر موسی راننده: ۲۰۱)، مجید	نام و نام خانوادگی مردان روستایی

	ابراوی: ۲۰۶، عین الله خان (سالار ایل: ۲۱۹) محمد جان (پسر کدخدای شمس آباد: ۲۲۰) کل محرم: ۲۲۲، کل رحمان: ۲۲۳
القاب انسان ها	ماچه الاغ (خواهران دکتر زینعلی: ۸۹) جغله بلا (عروس رباب: ۱۹۷، نیاز دنبه (نام مرد روستایی: ۸۳) احمد ترکه (مرد سرمایدار که در گوران مغازه لباس فروشی دارد: ۹۸، یدو دراز: ۱۶۲)، آفو (مخفف نام زن یدو دراز: ۱۶۲)
القاب حیوانات	بانو (گاو پدر ناهید: ۷۷)، سامری (اسم گوساله نر: ۸۴) پنجه کلاغو: ۱۱۶، سرخو (نام سگ پدر ناهید: ۱۹۴) ولدالزنای چموش (لقب قاطر: ۱۹۸)
اسم اماکن شهری	دانشگاه، کوی دانشگاه، میدان انقلاب، فرحزاد، ایستگاه اتوبوس: ۱۱۳، دکه روزنامه فروشی: ۱۱۱، کتابخانه مرکزی: ۱۱۱، جمالزاده: ۱۲۴-میدان انقلاب: ۱۲۴، کمیته انضباطی: ۱۲۶، خیابان جمهوری اسلامی: ۱۳۱، کارگر شمالی: ۱۳۵، کوچه، خیابان: ۱۴۱، خیابان فاطمی: ۱۴۴، خیابان هاشمی: ۲۰۷، خیابان دامپزشکی ۲۰۷
اسم اماکن روستایی	شمس آباد: ۴۷، چشمه جافر: ۵۰)، شیخ آباد: ۵۱، پیر یکه (نام زیارتگاه: ۷۸) ابراهیم آباد (۱۰۰: ۱۶۳، کتوک: ۱۶۳، چشمه عروس: ۱۸۳، هنزا: ۱۸۳، گوران و دره ناصری: ۱۹۸، سلطان ابراهیم (نام زیارتگاه: ۱۹۹)، بی بی سکینه: ۱۷۳، پیر یکهو قنات کنکیل: ۲۱۹،

نام‌ها و القاب از پرکاربردترین نمادهای هویت هستند که در رمان مذکور ظهور یافته‌اند. این نام‌ها و القاب و شاخص‌ها به روشنی هویت روستایی و شهری و طبقه اجتماعی، عقیده دینی و مذهبی افراد را هویدامی‌کنند.

نام‌های زنان روستایی همچون: حاجیه نساء، صنوبر، خیرالنساء، ماه جان، توران، گلجان، راحله، ملکه، رقیه، قمر، آفو (آفت)، صنم، ریحانه، گل‌بس، احترام‌السادات، ماه‌گل، شاه‌گل؛ و نام‌هایی مردانه همچون حاج عزیزالله، غلام، خیرالله، حسینقلی خان، مراد قلاقگر، مش رحمان، ماشاءالله، رمضان، مش اسحاق، غلامحسین

خان، مش ذبیح، کربلایی مصطفی، عین الله خان، محمد جان، کل رحمان و... مؤید هویت روستایی صاحبان این نام‌ها هستند و اگر در محیط‌های شهری هم با چنین نام‌هایی برخورد کنیم، به مهاجرت آن‌ها از محیط روستایی به شهر حکایت دارند و بیانگر اصلیت روستایی این افراد هستند. بسیاری از اسامی زنان روستا مثل گلپس، صنوبر، ماه گل و شاه گل، گلجان ریحانه و قمر و... با طبیعت و محیط زندگی روستاییان ارتباط تنگاتنگی دارند و معانی اسم این افراد به آن‌ها هویت روستایی می‌بخشند.

علاوه بر آن بسیاری از نام‌های به‌کاررفته در این رمان از هویت دینی و مذهبی و اعتقادات آن‌ها حکایت دارد. از گذشته تاکنون انتخاب نام تحت تأثیر هویت و تعلقات دینی از جمله گرایش‌های نامگذاری در جامعه سنتی مذهبی ایران بوده است. معمولاً افرادی که برای فرزندان خود از اسامی ائمه و فرزندان آن‌ها استفاده می‌کنند و یا نام مشدی و کربلایی جزئی از نام آنان محسوب می‌شود، دلیل بر هویت و گرایش مذهبی، بخصوص مذهب شیعه آن‌هاست. «انتخاب نام مذهبی به خصوص نام پیامبر اسلام (ص) و بزرگان دین ... در افراد مسلمان معتقد باعث برانگیخته شدن حس احترام به فرد می‌گردد.» (طیب و علی نژاد، ۱۳۸۲: ۲۶) با بررسی نام‌های روستایی و شهری این رمان مشخص می‌شود، گرایش مذهبی افراد روستایی بیشتر از محیط شهری است. در این رمان اسامی متعلق به ائمه بسیار به چشم می‌خورد که اکثریت آن‌ها به جامعه روستایی تعلق دارند. مثل محمود، فاطمه، رقیه، رباب، خیرالنساء، احترام السادات، سکینه، ابوالفضل، امیرحسین، حسن، احمد، غلامحسین، کربلایی مصطفی، عباس، عین الله، محمد، کل محرم، کل رحمان (کل مخفف کربلایی است). این نوع نامگذاری افراد روستا نشانه‌ای است از هویت دینی خانواده‌های آنان و ارزش و احترامی است که آن‌ها برای بزرگان دین قائل‌اند.

بسیاری از نام‌ها دانسته و عامدانه در رمان به‌کاررفته که احتمالاً به گرایش نویسنده و اقبال و احترام وی به پیروان یهودیت دلالت می‌کند؛ مانند یعقوب، یوسف، ذبیح، موسی، راحله (زن یعقوب) گوساله سامری، یهوه و... «مطالبی هم از تورات سفر پیدایش در رمان آورده شده است.» (سلیمانی، ۱۳۸۷، ۲۳۵)

علاوه بر آن، با بررسی این نام‌ها مشخص می‌گردد که در جوامع شهری و محیط‌های اداری و دانشگاهی در ایران بیشتر افراد با نام خانوادگی و پیشوند آقا یا خانم و شاخص‌های مخصوص شغلی مثل دکتر و مهندس شناخته می‌شوند تا با نام کوچکشان: خانم صدقیانی، فاطمه خانم، طاهره روستایی، بداشتی، آقا نادر، آقا محمود، دکتر شفقتیان، جهانشاهی، دکتر پروایی، شعاعی، احمد آقا، هاشم، سلطانی؛ و... ولی در جوامع روستایی این شاخص‌ها به کربلایی، حاجیه‌خانم، مشدی یا مشهدی، خان و... تغییر می‌یابد. سلیمانی در خانه و روستا از ناهید با نام کوچکش یاد می‌کند ولی زمانی که وارد دانشگاه می‌شود برای اولین بار نام خانوادگی (خانم بداشتی) را به کار می‌برد؛ اما صمیمیت افراد در محیط دانشگاهی هم باعث می‌شود که افراد همدیگر را با نام کوچک صدا کنند. چنان‌که ناهید زمانی که از دوستان دانشگاهی خود در خوابگاه یاد می‌کند آن‌ها را با اسم کوچکشان مورد خطاب قرار می‌دهد. «نه کار لیلی نبود ... کار فروغ هم نبود ... کار شهین هم نبود ... خودش بود حمیرا...» (همان: ۶) اسامی مکان‌های شهری و روستایی هم در این رمان به روشنی بیانگر تعلق این مکان‌ها به محیط شهری و روستایی هستند. اسامی مثل دانشگاه، خیابان، مطب، میدان، ایستگاه اتوبوس و... متعلق به جوامع شهری و چشمه عروس، دره نادری، قنات کنکیل و... به محیط روستایی دلالت دارند.

شاخص‌هایی مثل خان، حاجی، دکتر، مهندس و... از طبقات اجتماعی بالاتر و آقا و خانم دلالت بر مردم عادی و القابی مثل آفو، یدی دراز، نیاز دنبه و... نشانگر پایگاه اجتماعی پایین این افراد هستند.

در این رمان تفاوت اساسی در اسامی بچه‌های تازه به دوران رسیده چه در محیط شهری و چه در محیط روستایی با اسامی بزرگ‌ترها دیده می‌شود؛ و این بدان دلیل است که والدین به قصد تشخیص و به تأثیر از فرهنگ شهرنشینان، سعی می‌کنند اسامی بامسمایی را برای بچه‌های خود انتخاب کنند و این واقعیتی است که در جوامع امروزی ایران، خانواده‌ها بدان اهمیت می‌دهند و دیگر اسامی قدیمی مثل ماه‌گل، ماه‌جان، غلام و... برای فرزندان خود انتخاب نمی‌کنند. لذا سلیمانی از اسامی مانند نگین، مونا، روشنگ، رعنا، سمیه، احسان و... در این رابطه استفاده کرده است.

به غیر از شخصیت‌های انسانی، بعضی از اشیاء و حیوانات نیز در این رمان صاحب اسم هستند. مثل بانو، سامری، سرخو، ولدالزنای چموش که سلیمانی با دادن اسم بانو به گاو خواسته است جایگاه پایین زن در جوامع روستایی و هویت له شده او را گوشزد نماید. بنابراین زایمان گاو، او را به یاد زایمان خواهرش رقیه می‌اندازد. «یادم می‌آید وقتی آبجی رقیه هم می‌زایید مدام همین تصویر به ذهنم می‌آمد.» (همان: ۷۹) و دادن لقب ولدالزنای چموش به قاطر ناشی از نفرت ناهید از نازایی خود و قاطر و همزاد پنداری اوست.

۳-۱-۲ - مشاغل

طبق الگوی گيرو، مشاغل مختلف می‌توانند نشانگر طبقه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی افراد در یک محیط اجتماعی باشند. در این رمان افرادی مثل دکتر یاسایی به خاطر داشتن شغل پزشکی (متخصص زنان و مامایی) در بالاترین قسمت شهر زندگی می‌کند. ماشین مدل بالا سوار می‌شود و خانه بزرگ و مجللی دارد و شخصی مثل مسعود و ناهید که یک دانشجوی بیکار و یا منشی او هستند مجبورند در قسمت پایین شهر زندگی کنند و با اتوبوس خط واحد در شهر تردد نمایند.

«خانم دکتر... می‌گوید: "مسیرت کجاست؟" می‌گویم "دامپزشکی" می‌گوید متأسفم من طرف شمال شهر می‌روم.» (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۱۴۸). «خانم دکتر را تا کنار ماشینش همراهی می‌کنم، یک بی‌ام و زرشکی دارد. تر و تمیز.» (۱۴۹) ولی در عوض ناهید و مسعود با اتوبوس در شهر تردد می‌کنند و یا مجبورند تاکسی بگیرند. «خودم را به خیابان می‌رسانم، تاکسی می‌گیرم و به خانه مهندس نوحی می‌روم... احساس می‌کنم آدم زیون و ترسویی هستم.» (۱۴۱) حتی مسعود از اینکه زن آینده‌اش را سوار اتوبوس کرده است احساس حقارت می‌کند، لذا با خود می‌گوید: «و این تقصیر من است که چنین وسیله‌ای را برای به مقصد رسیدن انتخاب کرده‌ام. حال مردی را دارم که ناگهان فقرش بر همسرش آشکار می‌شود.» (۱۲۵) حتی در جوامع روستایی هم بعضی از مشاغل کشاورزی از موقعیت اجتماعی بالای افراد حکایت دارد. «آقا مرتضی که رفته خانه آبجی رقیه تا کود گاو و گوسفندهایشان را بار بزند و ببرد برای باغ‌های پسته غلامحسین خان در رفسنجان.» (۱۷۲) غلامحسین خان داشتن چنین اسمی را مدیون باغ‌های پسته خویش است که احتمالاً

درآمد چشمگیری دارد. ولی در مقابل نداشتن شغل و بیکاری افراد، حکایت از طبقه اجتماعی و موقعیت پایین آن‌ها دارد. در روستا یدو دراز مرد بیکاری است و در فصل برداشت؛ دشتبان دهاتی‌هاست، لذا مجبور است در کتوک زندگی کند و خانواده وی هم در نهایت فقر و نداری زندگی کنند. «زن تعارفمان نکرد تا داخل کتوک بشویم و ما قصد نداشتیم با خوردن آبی که بوی گاه می‌داد به این زودی‌ها از آن جا برویم... دخترها سعی می‌کردند پاهای کثیفشان را زیر دامن گشادشان پنهان کنند... زن... نهیب زد به دختر بزرگش صنم... تا زیلو بیاورد و پهن کند.» (۶۴-۶۳) ولی سلیمانی در توصیف منزل دکتر یاسایی از زبان مسعود می‌نویسد: «وارد خانه وسیع خانم دکتر شدیم... از راهرو باریکی گذشتیم و به هال وسیعی رسیدیم که پر از مبل و راحتی و میز صندلی بود... نگاهم را به سنگ‌های مرمر کف هال می‌دوزم» (۱۵۶) شغل مناسب پدر در آینده فرزندان نیز تأثیرگذار است زیرا داشتن شغل مهندسی پدر موجب می‌شود فرزندش، معلم خصوصی داشته‌باشد و همین مسئله سهم زیادی در پیشرفت فرزندش دارد «وقتی سلطانی از راه می‌رسد تا به احسان پسر مهندس نوحی عربی درس بدهد، مهندس نوحی پیشنهاد می‌کند به فکر پیدا کردن کار و تشکیل خانواده باشم.» (۱۴۱) ولی دختر یدو دراز باید در خانه دکتر زینلی به عنوان کلفت خدمات‌رسانی کند؛ بنابراین شغل از فعالیت‌های ضروری انسان در جامعه است که به‌غیر از تجربه و دانش فرد، گویای طبقه اجتماعی اوست. «شغل به بعد اقتصادی، معیشتی انسان‌ها مربوط می‌شود اما با بعد فردی، خانوادگی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آنان نیز رابطه تنگاتنگی دارد.» (میردريکوندي، ۱۳۷۹: ۶۹)

تمام کسانی که در این رمان فعالیت سیاسی دارند و انجمن‌های مخفی سیاسی برگزار می‌کنند استاد دانشگاه، دکتر و مهندس هستند و پست‌های مهمی دارند مثل دکتر شکیب (استاد دانشگاه)، دکتر میلانی (استاد دانشگاه)، مهندس نوحی، دکتر پروایی و... «بحث درباره قانونمندی‌های جامعه و چگونگی حرکت‌های اجتماعی بود. همه اعضا گروه کم‌وبیش چیزهایی یادداشت می‌کردند.» (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۱۲۹)

در رمان خاله‌بازی، شخصی به نام نادر خواستگار حمیراست که راننده تاکسی است و مادر حمیرا به خاطر شغل نادر حاضر نیست حمیرا با او ازدواج کند. «مادرم گفت اگه زن این مردک شوهر بشی خودم را

می کشم.» (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۱۲) همین نادر زمانی که جواب رد می شنود به ژاپن می رود و دو سال بعد برمی گردد بنگاه معاملاتی باز می کند و در مدتی کم کارش بالا می گیرد. طوری که حمیرا برای اجاره یک آپارتمان، دست به دامان او می شود. «جواب رد که شنید، رفت ژاپن، دو سال بعد که برگشت با یکی از دوستانش بنگاه معاملاتی ملکی تو شمال شهر راه انداخت، کم کم کارش بالا گرفت الان یه پا بساز بفروشه.» (همان: ۱۳) حمیرا که یک درس خوانده در حد دکتراست هرچه قدر هم تلاش کند از نظر اقتصادی به پای چنین شخصی نخواهد رسید و این نشان دهنده وضعیت نابسامان مشاغل در عصر نویسنده است.

۳-۱-۳- خوراک و لباس و زیورآلات

نظام های نشانه ای بسیار زیاد و متنوع هستند «از لباس هایی که می پوشیم تا غذاهایی که می خوریم، هر چیز موجود در جامعه از این نظر نشانه است.» (آلن، ۱۳۸۵: ۷۱) وقتی که پوشاک فراتر از کارکرد فردی و رفع نیاز مورد استفاده قرار بگیرد، گفته می شود که کارکرد اجتماعی پیدا کرده است. در این صورت است که می تواند نشان دهنده ارزش ها و باورهای جامعه قلمداد شود. مثل لباس سفید عروس و پیراهن مشکی یک شخص عزادار که یکی نشانی از سفیدبختی و دیگری نشانی از غم و اندوه است. همچنین لباس می تواند نشانه ای مهم جایگاه اقتصادی و اجتماعی اشخاص قلمداد شود. «از رهگذر لباس به خوبی می توان هویت، اعتقادات، پایگاه اجتماعی و تمایلات شخصیت ها و گروه های خاصی از جامعه را به تصویر کشید.» (فرهنگی و باستانی، ۱۳۹۳: ۱۳۳) عکس توپ فوتبال بر روی لباس یک نوجوان از تمایلات وی نسبت به این ورزش دلالت دارد. وقتی زنی عشایری لباس مخصوص زنان عشایر بر تن کرده به پایبندی وی بر اعتقادات و رسوم ایل و تبارش دلالت دارد. «از کارکردهای اجتماعی پوشش هویت بخشی آن است. نوع پوشش، نشان دهنده سنت ها، ارزش ها و باورهای هر جامعه است.» (نوری، ۱۳۸۱: ۱۳۲)

نوع پوشاک و زیورآلات در رمان سلیمانی بیانگر فرهنگ مردم، طبقات اجتماعی افراد در محیط شهری و روستایی هستند. وقتی سلیمانی از زبان ناهید وضعیت ظاهری دکتر زینلی دامپزشک روستا را توصیف می کند لباس وی متناسب با شغل و جایگاه اوست. «آقای دکتر به ظاهر مرد شیک پوشی بود. در آن گرما

کت و شلوار سرمه‌ای پوشیده بود.» (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۷۳) از آنجاکه گاهی لباس‌ها کارکردی نمادین دارند، کت و شلوار پوشیدن وی در مراسم رسمی درواقع نشان‌دهنده آن است که وی به سنت‌ها احترام می‌گذارد. پوشش مانتو و روسری و نداشتن آرایش غلیظ از ملزومات یک زن شاغل در ادارات رسمی و دولتی و بیانگر هویت یک زن کارمند است؛ لذا سلیمانی ناهید را در محیط کاریش این‌گونه توصیف می‌کند. «قرار می‌گذاریم مؤسسه باهم ناهار بخوریم. مانتو و شلوار قهوه‌ای می‌پوشم و آرایش ملایمی می‌کنم.» (همان: ۱۱) اما حمیرا که وارد مؤسسه می‌شود ملزم نیست چنین قوانینی را حتماً رعایت کند، بنابراین وی این‌گونه در این محیط ظاهر می‌شود: «مانتو مشکی کوتاهی پوشیده و یک شال مشکی روی سرش انداخته است. طوری که چترهای روی پیشانی‌اش خراب نشود. چیزی در چهره‌اش تغییر کرده، ابروهایش باریک‌اند و خط لبش بیش از اندازه پررنگ.» (۱۲) به جرأت می‌توان گفت شیوه لباس پوشیدن، همواره روشن‌ترین نشانه هویت اجتماعی بوده است. «لباسی که شخص می‌پوشد حامل نشانه‌هایی است که ارتباط بین او و محیط زندگی‌اش را بازگویی کند و زبانی است که بیان‌کننده جنسیت، جایگاه اجتماعی و باورهای مذهبی فرد است ...» (حسن نژاد، ۱۳۹۴: ۵۰)

رنگ لباس گاهی در این رمان نشانه‌ای از عزادار بودن افراد است. «روز بعد از مراسم هفت با لباس مشکی به دانشگاه می‌روم.» (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۱۳۳) علاوه بر لباس، گاهی سر و وضع ظاهری افراد هم کارکرد اجتماعی پیدامی‌کنند و نشانه‌هایی از اندوه درونی افراد هستند. «صبح یکشنبه با سرووضع اصلاح‌نشده و درهم و برهم مستقیم از بیمارستان به دانشکده حقوق می‌روم.» (۱۳۱)

در دنیای امروز پوشش و لباس از مشهودترین نشانه‌های هویت محسوب می‌شود «تن‌پوش‌ها نشان‌دهنده پایگاه و منزلت اجتماعی، اقتصادی، مذهبی، شغلی و حال و احوال روحی پوشندگان آن‌ها و برتابنده تفاوت‌های جنسی و سنی و جایگاه و مقام طبقاتی افراد در گروه‌های اجتماعی و قومی مختلف می‌باشند.» (بلوکباشی، ۱۳۸۳: ۱۸)

«[دکترزینلی] کت شلوار شیک ... عینک دسته مشکی به چشم و کیف سامسوتی به دست دارد.» (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۷۵) (نشانگر پایگاه و منزلت اجتماعی و شغلی) گاهی لباس می تواند نشانگر هویت و تعلق شخص به گروه خاصی تلقی شود. «خانم بداشتی را کوله پشتی به دست می بینم، نیم چکمه زنانه ای پوشیده و آفتاب گیر به سر دارد. شکل و هیبت یک زن کوهنورد را پیدا کرده است.» (همان: ۱۳۶) «در طول مسیر [در راهرو بیمارستان] به سلام لباس سفیدها پاسخ می دهد.» (همان: ۱۳۲)

در جامعه امروز ایران معمولاً زیورآلات طلا برای زنان مسنّ وسیله آرایش محسوب نمی گردد بلکه کارکرد اقتصادی دارد و حتی عروس ها هم با دید اقتصادی در آن نگریسته و آن را نوعی پس انداز تلقی می کنند تا در روز مبادا دستشان را بگیرد. «مادر به خیابان رودکی می رود و وقتی برمی گردد یکی از دو النگوی کلفتش نیست.» (همان: ۱۳۶) «سیما سرویس طلای جواهر نشان می خواهد. قیمتش خیلی زیاد است. خواهرهایش برایش النگو هم برداشته اند. مدام استدلال می کنند، طلا سرمایه است، مال خود مرد است، انشا الله چهار صباح دیگر می فروشند، خانه می خرند ... رسم است رسم را که نمی توان نادیده گرفت.» (همان: ۲۰۸-۲۰۷)

خوراک در خاله بازی جزئی از نشانه های هویت محسوب می شود و به اشکال مختلف و در موقعیت های متفاوت کارکرد اجتماعی پیدامی کند و می تواند بیانگر اختلافات طبقاتی و روابط بین افراد و اصول اعتقادی آنها باشد. لذا از زوایای مختلف قابل بررسی است.

سلیمانی زمانی که وارد زندگی دانشجویی و خوابگاهی و مجردی می شود سخن از املت و پیتزا، ساندویچ، پنیر و گوجه پیش می کشد «خُب با پیتزا که مخالف نیستی؟ ... پس به یاد آن سال ها، نون، پنیر و خیار می خوریم.» (همان: ۲۰) و زمانی که وارد زندگی روستایی می شود سخن از شیر و ماست، نان روغنی و خرما بریز و کباب بره به میان می آورد. «با او ناهار را مهمان خانواده عشایری بودیم که بره چند ماهه ای را کامل کباب کرده و سر سفره آورده بودند.» (همان: ۱۸۴) «مادر خرما بریز درست کرد و نان روغنی پخت.» (همان: ۲۱۸) و زمانی هم از غذای سلف سرویس دانشگاه سخن می گوید این گونه ادامه می دهد: «نهار

کلم‌پلو بود، بوی ناخوشایند آن توی خیابان شانزده آذر پیچیده بود.» این جمله نشان از تکراری بودن و خوش نیامدن غذای دانشگاهی به مذاق بعضی دانشجویان حکایت دارد؛ زیرا در محیط‌های عمومی مثل دانشگاه بالا جبار غذاها یکدست و تکراری هستند و ممکن است با طبع و مذاق افراد مختلف سازگار نباشند زیرا هر کدام فرهنگ و آداب و رژیم غذایی خاص خود را دارند. گاهی غذای افراد گویای طبقه اجتماعی آنهاست. خانواده یدو دراز که خانواده فقیری هستند در کوزه آب می‌خورند و آبشان بوی کاه می‌دهد. «زن تعارفمان نکرد تا داخل کتوک بشویم و ما قصد نداشتیم با خوردن آبی که بوی کاه می‌داد به این زودی‌ها از آنجا برویم.» (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۶۴) ولی ناهید که تا حدودی وضع اقتصادی بهتری دارد علاوه بر اینکه زرشک‌پلو با مرغ می‌خورد، بلکه از قاشق چنگال شخصی استفاده می‌کند «نهار زرش پلو با مرغ بود... قاشق چنگال و لیوان شخصی‌ام را روی میز می‌گذارم.» (همان: ۱۳) و گاهی هم نشانی بر هویت مذهبی افراد است. «مثل بلدرچین دو سال قبل، رحیم باید باغ‌هایش را زیر پا بگذارد و با یک بسم‌الله حلالش کند.» (همان: ۲۰۲) زیرا حیوان باید بنا به دستور شرعی اسلامی با گفتن بسم‌الله ذبح شود و گرنه حرام است و نباید خورده شود. «خال‌کوبی‌ها، آرایش‌ها و مدل‌های مو و غیره نیز نشان‌های رمز پرداخت‌شده در جوامع بدوی هستند.» (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۱۸) این رمزگان‌ها با هویت افراد ارتباط تنگاتنگی دارند. ظهور این نشانه‌ها در رمان مذکور به چند صورت است:

نوع آرایش افراد از هویت اجتماعی آنها حکایت دارد. زنان شهری ناخن دراز می‌کنند انگشت پاهایشان را با لاک رنگ‌می‌کنند ولی زنان روستایی از حنا برای این کار بهره‌می‌برند و از سنت و رسوم و آبا و اجدادی خود پیروی می‌کنند ولی زنان شهری نوع آرایششان تقلیدی از مد و روش زنان غربی است. سیگار کشیدن در میان زنان روستایی دیده نمی‌شود ولی زنان شهری مثل حمیرا و دکتر یاسایی سیگار و گاهی هم قلیان می‌کشند «خانم دکتر... کتری را به برق می‌زند، سیگارش را روشن می‌کند.» (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۱۴۷) «حمیرا برای خودش چای می‌ریزد؛ اما قبل از آن که چایش را بنوشد، به سراغ کیفش می‌رود، می‌داند باز هم می‌خواهد سیگار بکشد.» (همان: ۲۰)

در فرهنگ ایرانی کوتاه نگه داشتن ناخن‌ها از قدیم رسم بوده و ریشه در توصیه‌های دینی هم دارد ولی حمیرا برخلاف آن با تقلید از زنان غربی و مدپرستی ناخن دراز می‌کند و گاهی ناخن مصنوعی هم می‌کارد. «انگشتان کشیده‌اش با ناخن‌های نسبتاً بلند به دلم می‌نشیند، همان لحظه تصمیم می‌گیرم ناخن بگذارم.» (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۲۲)

۳-۱-۴ - مکان و محل

از این لحاظ که مکان و محل زندگی شاخصی برای نشان دادن طبقه اجتماعی افراد محسوب شود، می‌تواند با نشانه‌های هویت داشته باشد... «نظام‌های گوناگون و... حتی ساختمان‌های مسکونی می‌توانند به عنوان موضوع مطالعات نشانه‌شناسی باشند.» (ایبرمز و هرفم، ۲۰۰۹: ۳۲۴) میان مکان و اشخاص در داستان‌ها می‌توان به نوعی همبستگی معنایی دست یافت «مکان‌ها به طور خاص از بن‌مایه‌هایی شناخته شده‌اند که بامعنای شخصیت‌های ساکن در آن مکان پیوند دارند.» (فاولر، ۱۳۹۰: ۶۱) «خانم دکتر... می‌گوید: "مسیرت کجاست؟" می‌گویم "دامپزشکی." می‌گوید "متأسفم من طرف شمال شهر می‌روم."» (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۱۴۸) گاهی مکان زندگی در فرهنگ و طبقه اجتماعی آنان تأثیرگذار است. «سرش را خم کرد و آهسته گفت: این سکوت را هرگز نمی‌توان داخل اتوبوس‌های جنوب شهر دید.» (همان: ۱۲۷)

در رمان خاله‌بازی نه تنها مکان و محل زندگی طبقات بالادست و پایین دست زنده‌ها از همدیگر متفاوت و جداست قبرستان و محل دفن مرده‌ها هم از این قاعده مستثنا نیست. «رحیم می‌گه قبرستونمون هم طبقاتیه. می‌گه اشراف در طول تاریخ سعی کردن نشون بدن در پیشگاه مرگ هم با دیگران برابر نیستند.» (همان: ۵۹)

سلیمانی از زبان ناهید خطاب به قبر غلام می‌گوید: «اگه تو زندگیت به کسی خیری نرسوندی، مرگت یه جورایی خیر رسونه، می‌دونی می‌خوام چی بگم، به نظرم اون قاب آلومینیومی و اون پرچم سه رنگ سر قبرت یه جوری رنگ و رویی به پایین دست قبرستون داده، البته هنوز مونده به بالادست برسه ولی

خوب به جوری علامت آبادی است.» (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۵۹) «بالادست قبرستون اعیان‌ها ایستاده بودند و پایین دست رعیت‌ها، راستش از بالادستی‌ها می‌ترسیدم.» (همان: ۵۶)

«هر مکان یادآور چیزی خاطره‌انگیز برای جمعی از مردم یا تمام مردم است.» (ساسانی، ۱۳۹۱: ۵۲) در این رمان اسامی مکان‌ها و خیابان‌های تهران یادآور انقلاب اسلامی و خاطرات آن است. مثل خیابان انقلاب و میدان انقلاب (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۱۲۴)، خیابان جمهوری اسلامی (همان: ۱۳۱)، خیابان هاشمی (همان: ۲۰۷)، بیمارستان آزادی (همان: ۱۲۴)، سینما بهمن (همان: ۱۱۱)، خیابان ۱۶ آذر (همان: ۱۱۶) و...

زمانی که سلیمانی صحنه‌های رمان را به محیط دانشگاه می‌کشاند، بارها از کتابخانه و محل‌های مطالعه، سخن به میان می‌آورد؛ زیرا کتابخانه نشانه فرهنگی بودن و اجتماع دوستداران علم و شعر است. «در کتابخانه مرکزی توی سالن انتظار او را دیدم.» (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۱۱۱) «صبح‌ها اغلب در سالن قرائت کتابخانه مرکزی مطالعه می‌کرد.» (همان: ۱۱۲)

در جوامع ایرانی معمولاً جایگاه نشستن افراد در مجالس و مهمانی‌ها با توجه به سن و ارزش اجتماعی آنان تعیین می‌گردد. «عموی پیر دکتر در صدر مجلس، کنار مادر دکتر می‌نشیند. عمه‌اش... کنار ردیف دخترها می‌نشیند و دو داماد دکتر، کنار عموی پیر می‌نشیند. دکتر تقریباً گوشه اتاق کنار پدرم است.» (همان: ۸۹)

۳-۲- نشانه‌های آداب معاشرت (Etiquette Signs)

نشانه‌های آداب معاشرت از دیدگاه گیرو می‌توانند مواردی بسیاری را شامل شوند مثل: «توهین [صورت های منفی کلام]، سلام و خداحافظی [صورت های مثبت کلام]، لحن کلام، اطوارپژوهی، فاصله‌پژوهی و...» (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۲۱) نشانه هویتی نمایانگر تعلق شخص به یک گروه یا انتساب آن به یک نهاد را شام می‌شود. از جهت دیگر انسان‌ها از طریق ارتباط، خود را به همدیگر معرفی می‌کنند و این ارتباط از طریق نشانه‌ها میسر می‌گردد. «نشانه‌های آداب معاشرت برخلاف نشانه‌های هویت که بر تعلق شخص به یک گروه یا انتساب او به یک کارکرد دلالت می‌کنند، می‌توانند چگونگی روابط بین افراد را نیز نشان دهند.

روابط بین انسان‌ها روابط گذراست که متناسب با افراد، موقعیت‌ها و فرهنگ‌های گوناگون تغییر می‌کند.» (گیرو، ۱۳۸۷: ۱۲۰) هنجارهای اجتماعی به هر یک اعضای جامعه کمک می‌کنند تا بتوانند به خوبی تشخیص دهند که در یک موقعیت اجتماعی خاص باید چه نوع رفتاری را در پیش گیرند و از چه نوع رفتاری بپرهیزند. هر گروه اجتماعی هنجارهای مخصوص به خود را داراست و بر تک تک افراد آن نیز واجب است از آن هنجارها پیروی کنند. در این میان آداب و رسوم از جمله هنجارهایی است که مشخص می‌سازد، افراد در هریک از فعالیت‌های روزانه خود به چه طریق و شیوه مورد قبولی رفتار کنند. «انسان‌ها این فعالیت‌ها را به شیوه خود کرده و مرسوم انجام می‌دهند و از معیارهای هنجارمند جا افتاده‌ای نیز پیروی می‌کنند؛ مثل تشکر از کمک‌های دیگران، رعایت آداب معاشرت و نظایر آن‌ها.» (کوئن، ۱۳۷۹: ۱۵۴)

۳-۲-۱- کلامی

۳-۲-۱-۱- توهین [صورت های منفی کلام]

توهین از دیدگاه گیرو، یکی از صورت‌های منفی نشانه‌های آداب معاشرت است «توهین صورت منفی سلام و خداحافظی و نشانه‌ای مبنی بر دشمنی است.» (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۲۲)

گاهی توهین‌ها به خاطر نفرت از همدیگر، نوعی خشونت و پرخاشگری از نوع روانی آن است. «خشونت روانی رفتار خشونت‌آمیزی است که شرافت، آبرو و اعتماد به نفس افراد را خدشه دار می‌کند. این رفتار به صورت انتقاد ناروا، تحقیر، بددهانی، تمسخر، توهین، فحاشی، متلک، تهدیدهای مداوم و... اعمال می‌شود.» (کار، ۱۳۷۶: ۲۹۳) سلیمانی در این رمان از انواع مختلف توهین برای نشان دادن دشمنی‌ها و حسادت‌ها و کینه‌ورزی‌ها بین افراد بهره می‌گیرد؛ که به چند مورد آن اشاره می‌شود. «الغ معلوم نیست این حرف‌ها رو از کدوم منبری شنیده.» (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۱۳۴) گاهی توهین با فحاشی همراه است. اغلب مخاطب آن کودکان هستند ولی ممکن است منظور از آن، توهین به بزرگ‌ترها باشد. در جمله زیر دقت کنید: «در را که می‌بندم صدای سیما را می‌شنوم: الهی خناق بگیری لال پدرسگ.» (همان: ۳۶)؛ و گاهی با تحقیر و سرزنش همراه است «عورت خدانشناس چکار می‌کنی، دختر که از درخت گردو بالا نمیره.» (همان: ۵۲)

توهین گاهی از نفرت نشأت می‌گیرد. رحیم که از دکتر زینلی خواستگار خواهرش نفرت دارد در مورد او می‌گوید: «حیف عنوان دکتر، مثل گاو می‌ماند، یک‌دوره شعور اجتماعی ندارد. حوزه استحفاظی‌اش از شاخ گاو شروع می‌شود و به گه مرغ ختم می‌شود.» (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۹۸)

۳-۲-۱-۲-سلام و خداحافظی [صورت‌های مثبت کلام]

سلام و خداحافظی از جمله شاخص‌های آداب معاشرت هستند و «وجه مشخصه آن‌ها این است که قراردادی‌اند و از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر تغییر می‌کنند.» (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۲۲)

سلام در اول کلام و سخنرانی - از سنت‌های مرسوم در جوامع محسوب می‌شود.

«نوشتن علیک‌السلام حمیرا همیشه به جای سلام می‌گفت علیک سلام.» (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۷)

در جوامع ایرانی روبوسی کردن یکی از راه‌های ابراز محبت نسبت به کودکان و نزدیکان و دوستان در ملاقات‌هاست که نباید آن را با لذت‌جویی جنسی یکسان گرفت. «روبوسی گرمی می‌کنیم اما حمیرا به روبوسی قناعت نمی‌کند دست‌هایم را می‌گیرد و سعی می‌کند نیم‌چرخ شادی‌وار بزند.» (همان: ۱۱) گاهی مواقع بوسیدن ضریح امامزاده و دست‌کشیدن به مقبره نشان احترام و حرمت به امامزاده است. «ضریح بی‌بی‌سکینه را می‌بوسم.» (همان: ۱۷۳)

مردان ایرانی در هنگام ورود به مجالس یا محافل یا خانه‌ای که جنس زن در آن باشد ورود خود را با گفتن یا الله اعلام می‌کنند «یعقوب با صدای یا الله مردی که هنوز به دیدار نمی‌آمد، پریده بود.» (همان: ۷۲) گفتن بفرما در هنگام خوردن و نوشیدن و تعارف به همدیگر نشانی از احترام به طرف مقابل است و افراد اجتماعی در چنین مواقعی با کلماتی مختلف این احترام را ابراز می‌دارند «دکتر به پدر بفرما زد و هر دو همزمان چای برداشتند.» (همان: ۷۳)

معمولاً احوالپرسی‌ها در ایران به شکل‌های مختلف صورت می‌گیرد و روشی برای ابراز همدردی می‌تواند باشد. گاهی با این تعارفات افراد مصیبت‌زده را تسکین می‌دهند «جناب دکتر برای دومین بار از یدالله پرسید:

خوب هستین انشاءالله؟ یدالله جواب داد به‌مرحمت شما» (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۷۴)

در ایران در بزرگداشت نوگذشته، معمولاً سوره فاتحه می‌خوانند و صلوات می‌فرستند. ولی بعضی از مواقع وقتی در چنین مجلسی مردم گرم صحبت از هر دری می‌شوند که شخصی با گفتن فاتحه مع الصلوات در اصل به جمع تذکر می‌دهد که نوگذشته را فراموش نکنید و حرمت مجلس را رعایت کنند «پدرم گفت فاتحه مع الصلوات.» (همان)

همراهی تا دم در بخشی از بدرقه مهمان و احترام به اوست که در این رمان بدان اشاره شده‌است. «خانم دکتر تا دم در همراهمان می‌آید. دم در از او خداحافظی می‌کنیم.» (همان: ۱۳۲)

۳-۲-۲-غیر کلامی

۳-۲-۲-۱-لحن کلام

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های آداب معاشرت لحن کلام است. از این رو لحن کلام را «سازنده فضای کلام به شمار می‌آورند.» (براهنی، ۱۳۸۲: ۳۲۵) به عبارتی دیگر لحن «عبارت از حالتی است که توسط گوینده به مخاطب القا می‌شود.» (گری، ۱۳۸۲: ۳۳۱) در این میان می‌توان لحن کلام را وسیله‌ای در جهت توضیحی از نوع سخن گفتن افراد، ایجاد فضا در کلام و نحوه القای حرف‌های ناگفته از طریق زبان دانست. افراد در گفتگوهای روزانه و در موقعیت‌های مختلف از لحن‌های متفاوتی استفاده می‌کنند. لحن کلام مبین هویت شخص است؛ و به تناسب افراد در موقعیت‌های گوناگون تغییر می‌کند و می‌تواند یکی از عمومی‌ترین شیوه‌های ایجاد ارتباط به حساب آید. از دیدگاه گیرو «لحن کلام یکی از عمومی‌ترین شیوه‌های بیان میان روابط فرستنده و گیرنده است. این لحن می‌تواند خودمانی، محترمانه، طنزآمیز، آمرانه، ملایم و غیره

باشد.» (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۲۲) «لحن کلام که از منظر زبانشناسی آهنگ زبان نامیده می‌شود تظاهر لفظی و بیانی احساس و عاطفه گوینده است.» (عمران پور، ۱۳۸۴: ۱۲۹)

در این رمان، سلیمانی از لحن‌های متفاوت در شرایط و موقعیت‌های مختلف بهره‌برده است که هر کدام از آن‌ها می‌تواند حامل پیامی پنهانی در متن باشد. برای نمونه، به مواردی از آن اشاره می‌شود:

«غروب بود که با دوستم صدیقه به خانه عمه رفتیم ... گفت: ها چیه، خروس می‌خوانی؟ ... گفتم نه عمه ما خروس نمی‌خوانیم، اومدیم یعقوب بهمون ریاضی یادده گفت: ها، خروس نمی‌خوانی، یعقوب می‌خوانی.» (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۷۰) این نوع لحن می‌تواند ناشی از نفرت و کینه و حسادت در میان افراد باشد. «دختردایی چایی وردارین، گلو تون رو تازه کنیین.» (همان: ۷۳) این لحن تعارف‌آمیز گاهی می‌تواند ناشی از رفتار محبت‌آمیز و گاهی به خاطر چاپلوسی و... باشد.

گاهی این لحن‌ها در خاله‌بازی جنبه تحقیر و اهانت، تهدید بین افراد فرادست و فرودست است. «مادرم بچه را ... می‌گذارد دم در و می‌گوید: هی یدو ... و در این توله ات رو و برو از اینجا.» (همان: ۱۷۵) لحن گاهی دوستانه خودمانی و طنزآمیز است و از صمیمیت بین افراد خبر می‌دهد. دوبار به رسم آدم‌های مهربان می‌گوییم: حمیرا خودتی. نه دختر عمه‌ام هستم. همان لحن، همان طنز، همان حمیرا.» (همان: ۷) لحن گاهی می‌تواند کودکانه باشد. «مامان می‌گه اگه تونستی جیاف بگیر.» (همان: ۲۸)

در این جمله لحن کلام به گونه‌ای است که می‌خواهد حس همدردی و ترحم طرف مقابل را برانگیزد و این گونه جملات در هنگام مواجهه با گرفتاری‌ها و مصیبت‌هایی هم چون درگذشت عزیزان ادامی‌شود «ناهِید دیدی چه خاکی تو سرمون شد، ... دیدی ابوالفضل یتیم شد.» (همان: ۷۱) لحن‌های ترحم‌آمیز در میان افراد صمیمی که نیاز عاطفی به هم دارند دیده می‌شود. نمونه‌هایی از لحن‌های تمنایی و تشویق‌آمیز هم در این رمان دیده می‌شود: «میشه لطفاً یه لیوان آب‌خنک به من بدین.» (همان: ۷) (تمنایی) «یعقوب می‌گوید: بابا ایوالله ...» (همان: ۸۱) (تشویق‌آمیز)

لحن‌های تمنایی گاهی نشانه نیاز و گاهی به نشانه احترام به طرف مقابل هستند و لحن تشویق‌آمیز زمانی جهت تشکر و قدردانی و گاهی به خاطر حیرت و ناباوری و... صورت می‌گیرد. لحن می‌تواند گاهی دلسوزانه و مادرانه باشد. «مامان با دلسوزی مادرانه می‌گوید: صبح شد، یه کم بخواب.» (سلیمانی، ۱۴۸: ۱۳۸۷)

سلیمانی در قسمتی از رمان چندین لحن را عامدانه در کنار هم قرار می‌دهد که هر کدام از آن‌ها حکایت از نشانه و کارکرد اجتماعی خاصی دارند. چهار پیغام دارم، سه تا از حمیرا و یکی هم از رحیم. پیغام اول حمیرا یک کلمه است: کجایی؟ «پیغام دوم یک جمله امری است: به من زنگ بزن. پیغام سوم از همان جمله‌های مختص به حمیرا: کدوم گوری هستی؟ پیغام رحیم، کوتاه، برادرانه و البته مسئولانه است: خیلی نگرانم، به من زنگ بزن.» (همان: ۱۹۳).

۳-۲-۲-۲-۲-۳ اطوارپژوهی

اطوارپژوهی یا ارتباط‌های غیرکلامی شامل اشاره‌ها، حرکات اندام، وضع اندام، حالت‌های چهره و مانند آن‌هاست. اطوارپژوهی به تحلیل حرکات بدن و حالت چهره، بدون گفتن کلامی می‌پردازد. اطوارپژوهی یکی دیگر از شاخص‌های آداب معاشرت و به معنی مطالعه حرکات است و عبارت است از تحلیل حالت‌های چهره، ایما، اشاره و رقص. (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۲۲) حالت‌های چون خیره نگاه کردن، گریه کردن، متوقع بودن، متحیر شدن، چهره عبوس یا غمگین داشتن، چهره عصبانی و برافروخته داشتن و... نشانه‌هایی‌اند که از بررسی آن‌ها می‌توان به پیام نهفته در ورای آن‌ها دست یافت. رقصیدن هم جزئی از نشانه‌های اطوارپژوهی است.

در این رمان با طیف گسترده‌ای از ارتباط غیرکلامی مواجهیم که با تحلیل هر کدام از آن‌ها می‌توان به شخصیت افراد پی‌برد. حالت‌ها و رفتارهایی چون خیره نگاه کردن، گریه کردن، متوقع بودن، متحیر شدن و... سلیمانی خودش بعضی از این حرکات و اطوار را رمزگشایی می‌کند. «سرش را بالا می‌آورد و لبخند می‌زند. به نظرم با لبخندش می‌گوید: خوب بریدی و دوختی» (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۱۲۳)

«سرش را پایین می‌اندازد و با خودکار روی میز ورمی‌رود.» (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۱۵۹) یدو و مادرم ساکت می‌شوند و مادرم با اشاره دست و صورتش به من می‌فهماند بروم توی خانه و به او رو ندهم. « (همان: ۱۷۱)

«دستم را کاسه کردم و به‌طرف دهانم بردم و گفتم او می‌خوایم» (همان: ۱۶۳)

«روی راحتی گوشه اتاق می‌نشینم ... آن قدر دست‌هایم را به هم می‌مالم و موهایم را به هم می‌ریزم که کلافه می‌شوم.» (همان: ۱۵۷) حرکات بدنی مسعود در جمله بالا حکایت از استرس و کلافگی اوست. چنین رفتاری از آشفتگی و گرفتاری درونی افراد خبر می‌دهند و کودکان ممکن است آن را با ناخن جویدن و ... بروز دهند. دختر مسعود که دائم شاهد درگیری و دعای پدر و مادر خویش در محیط خانه است به این روش استرس خود را تسکین می‌بخشد «مه بان به چارچوب در تکیه می‌دهد و ته مداد رنگی‌اش را می‌جود.» (همان: ۳۵)

هرکدام از این حرکات غیرکلامی بیانگر روحيات انتقال‌دهنده پیام است.

۳-۲-۲-۳- فاصله پژوهی

نزدیکی و دوری در معاشرت نیز یکی از مصداق‌های آداب معاشرت است و فاصله با مخاطب نشانه تعبیر می‌شود (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۲۲) در ایران زمانی که مرد نامحرمی با عمل بوسیدن به دختر بالغ ابراز محبت می‌کند، معمولاً به‌جای صورت از فرق سرش بوسه می‌زند. «یدالله سرم را در آغوش گرفت، فرق سرم را بوسید و من دست زمختش را بوسیدم.» (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۷۳) و این بخاطر رعایت مسئله محرم و نامحرم است. معمولاً در جوامع ایرانی سخنان محرمانه را درگوشی ادا می‌کنند. «فاصله ما با مخاطب مان و نیز زمانی که ما برای شنیدن پاسخ وی یا برای جواب دادن به او در نظر می‌گیریم خود نشانه است.» (گیرو، ۱۳۸۷: ۱۲۲) بنابراین سلیمانی شبی که دکتر زینلی به خواستگاری ناهید می‌آید این گونه رفتار می‌کند: «بیخ گوشم مثل یک عاشق دل‌خسته می‌گوید: خوبی؟» (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۹۹) سلیمانی در پاراگراف زیر رفتار دکتر زینلی را در نزدیک شدن به افراد مختلف به‌خوبی نشان داده‌است. چون با پدر ناهید صمیمی است

روبوسی می‌کند با مسعود که غریبه است دست می‌دهد و محترمانه خوشامد می‌گوید و با ناهید که زنی نامحرم است محترمانه پنهانی احوالپرسی می‌کند طوری که دیگران متوجه نشوند. «با پدرم روبوسی می‌کند، به مسعود دست می‌دهد و می‌گوید: از آشنایی با شما خوشوقتم. از کنارم [ناهید] مثل نسیم می‌گذرد و می‌گوید: خوبی؟» (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۱۶۸)

هال می‌گوید: میان دو هم‌سخن امریکایی ۸ نوع فاصله معنادار وجود دارد که اولین آن بسیار نزدیک (بین ۵ تا ۲۰ سانتیمتر) است و نشان از نجوای خفیف است و معنای آن بسیار محترمانه است. (ن.ک، گپرو، ۱۳۸۷: ۱۲۳)

گاهی فاصله‌پژوهی ناشی از اعتقادات و دستورات دینی ناشی می‌شود و در میان مسلمانان باید فاصله دختر و پسر نامحرم رعایت شود و سلیمانی در این رمان بدان پرداخته است.

«می‌دانستم این ملاقات در محیط دانشگاه چقدر می‌تواند خطرناک باشد، همان دیدار کوتاه هم می‌توانست مسئله‌ساز باشد.» (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۱۱۱) ناهید زمانی که هنوز با مسعود عقد نکرده است در یک گروه دوستانه به کوهنوردی می‌رود و موقع لیز خوردن مسعود دستش را به سوی او دراز می‌کند و ناهید به جای دست، کفش او را می‌گیرد. «وقتی به یک سربالایی تیز رسید چندین بار سر خورد. دستم را به سوی او دراز کردم ... دستم را نگرفت، در عوض یکبار کفشم را چسبید و خودش را بالا کشید.» (همان: ۱۱۸)

۳-۳ - سرشت نشانه‌های اجتماعی

۳-۳-۱- میثاق‌ها: بستن پیمان و وفای به آن از نشانه‌های سرشت اجتماعی و آداب‌دانی افراد است. «هنگامی که افراد به‌منظور انجام یک کنش مشترک گرد هم می‌آیند، روابط میان آن‌ها باید در چهارچوب دلالتی مشخص شده باشد.» (گپرو، ۱۳۹۲: ۱۲۷) معمولاً افرادی که کمتر اجتماعی هستند به خاطر ندانستن آداب معاشرت یک جامعه و گروه خاص در برقراری ارتباط و دریافت منظور آن‌ها دچار مشکل می‌شوند و طرز رفتارشان در نظر گروه غریبه می‌آید. لذا می‌گویند چنین افرادی اجتماعی نیستند. آگاهی از میثاق‌ها و آداب‌دانی و آشنایی با فرهنگ یک جامعه و ملت به دریافت دقیق از مفاهیم متون ادبی آن جامعه و ملت

می‌تواند کمک نماید. پیمان‌ها و میثاق‌ها و آداب اجتماعی فرهنگی و دینی و مذهبی در رمان مذکور جایگاه ویژه‌ای دارد.

بسیاری از این آداب و پیمان‌ها صبغه دینی و مذهبی دارند. در جمله زیر دراز کردن به سمت قبله یکی از مواردی است که فرد مشرف به موت را به سمت قبله دراز می‌کنند و کارکرد اجتماعی دارد. «مرا که طفلی هفت‌ماهه بوده‌ام، روبه‌قبله دراز می‌کنند.» (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۱۰۶) ذکرگفتن با تسبیح از آدابی است که در دین اسلام بدان توصیه شده است. «مادرم، تمام‌روز در راهروهای بیمارستان، تسبیح به دست می‌گردد و ذکر می‌گوید.» (همان: ۱۳۰) همچنین برای زنی که باردار نمی‌شود در بین شیعیان مرسوم است که سفره حضرت رقیه می‌اندازند. «مادر مسعود سفره حضرت رقیه انداخت. همه، هم‌صدا با مجلس گردان از آن طفل خفته در خرابه‌های شام خواستند تا وساطت کند و دامن من سبز شود.» (همان: ۱۶۱)

بسیاری از آداب و رسوم می‌که در رمان به آن‌ها پرداخته شده رنگ و بوی فرهنگی و سنتی دارد. سنت‌ها می‌تواند یکی از راه‌های کنترل اجتماعی به شمار آید. «سنت‌ها قوانین نانوشته‌ای هستند که همه افراد به این دلیل که همیشه انجام می‌داده‌اند، اجرامی‌کنند و تردیدی در انجام آن‌ها ندارند.» (ون لیون: ۱۲۱) در جامعه ایرانی رسم است کله‌پاچه و پوست حیوان قربانی را به کسی می‌دهند که آن را ذبح کرده است. «فردا یدو دراز به منزل پدرم می‌آید، هیزم‌های مجلس روضه‌خوانی را می‌شکند و قول می‌دهد گوسفند مراسم را خودش بکشد. مادرم می‌گوید: پوست و کله‌پاچه‌اش هم مال خودت.» (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۱۷۰) در فرهنگ ایرانی سنتی است که موقعی که از کنار قبرستان رد می‌شوند برای اهل قبرستان فاتحه می‌خوانند. «موقع برگشتن از طرف قبرستان می‌رویم و برایش فاتحه می‌خوانیم.» (همان: ۱۶۳) و موقعی که مرده را برای دفن کردن به قبرستان می‌برند تابوت وی را با لا اله الا الله گفتن بدرقه می‌کنند. «صدای لا اله الا الله از دور می‌آید، باید کسی مرده باشد.» (همان: ۱۹۴).

در فرهنگ ایرانی معمولاً یک هفته مانده به سال نو برای مرده‌های آن سال مراسم عید مرده‌ها برگزار می‌کنند که سلیمانی در این رمان بدان اشاره می‌کند. «پنجشنبه آخر سال مادر خرما بریز درست کرد و نان روغنی پخت، سر خاک خاله صنوبر رفتیم. عید مرده‌ها بود.» (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۲۱۷).

معمولاً برای تعبیر خواب افراد، اصول و قانون خاصی وجود دارد. اگر کسی در خواب ببیند که مرده است دلیل بر آن است که عمرش زیاد شده است لذا سلیمانی به این نکته اشاره می‌کند. «[خوابم می‌بینم که مرده‌ام] رباب خانم در تعبیر خوابم می‌گوید که صد و بیست سال عمر می‌کنم.» (همان: ۱۹۴)

گذاشتن پول در قنداق نوزاد نو رسیده از جمله رسوم مردم ایران است که سلیمانی در این رمان بدان اشاره کرده است. «می‌گویم هزار تومان هم بذار زیر قنداقش» (همان: ۱۷۷)

ایدئولوژی حاکم بر محیط دانشگاه در جای جای این رمان قابل دریافت است. ایدئولوژی «نگرش‌های اجتماعی و سیاسی یک گروه، طبقه اجتماعی، یا جامعه را به عنوان کل هدایت می‌کند.» (مکاریک، ۱۳۸۳: ۴۵) وجود واحدهای جداگانه خواهران و برادران، اهمیت بیش از اندازه به مسئله حجاب. جدایی کتابخانه خواهران و برادران حتی سلف سرویس «جلسه تمامی نداشت، حتماً جلسه واحد خواهران و برادران هر دو بود.» (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۱۰۹) فعال بودن کمیته انضباطی حکایت از جو انقلابی دانشگاه دارد. «نتیجه اعتراضش را به حکم کمیته انضباطی دانشگاه پرسیدم.» (همان: ۱۱۲) لذا بسیاری از دانشجویها جرأت اظهار نظرهای سیاسی و فکری آزادانه در محیط دانشگاه و حتی خارج از آن ندارند و تا حدودی جو امنیتی بر محیط دانشگاه حاکم است. «وقتی شعاعی از پله‌های اتوبوس بالا می‌آید، خون به مغزم هجوم می‌آورد، ترسی ناشناخته همه وجودم را می‌گیرد... شعاعی دانشجوی عربی و تئورسین انجمن اسلامی دانشکده است.» (همان: ۱۲۶-۱۲۵)

۳-۳-۲- بازی

از نشانه‌های سرشت اجتماعی می‌توان به بازی‌ها اشاره نمود درواقع، بازی «تقلیدی است از واقعیت به‌ویژه تقلیدی است از واقعیت اجتماعی.» (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۳۰)

سلیمانی با انتخاب عنوان خاله‌بازی برای رمان خود خواسته‌است به خوانندگان بگوید که زندگی واقعی ما همان بازی است و درواقع بازی خود، تقلیدی از زندگی واقعی ماست. کودکان با بازی‌های خود در اصل زندگی آینده خود را تمرین می‌کنند و بزرگ‌ترها با بازی در اصل زندگی گذشته و آینده خود را تکرار، تمرین و مشق می‌کنند؛ و یاد و خاطرات آن را زنده نگه می‌دارند. بازی فوتبال و شطرنج همان میدان جنگ است. میدان جنگی که بدور و ایمن از اتفاقات ناگوار آن است. در رمان سلیمانی مردان روستایی بازی چوب می‌کنند که یادآور دعوای قبیله‌ای با چوب‌دستی‌هایشان می‌تواند باشد.

دهل‌زنی، طبل‌کوبی، سرنازنی و چوب‌بازی مردها و کلک‌کشیدن و رقصیدن زن‌ها از جمله بازی‌هایی است که سلیمانی بدان‌ها اشاره نموده‌است. «ناگهان زن‌ها ... کل می‌کشند. دهل‌زن روی طبلش می‌کوبه و مرد سرنا زن لب‌هاش رو باد می‌کنه و در سرناش می‌دمه.» (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۵۱)

بازی کودکان بیشتر تقلیدی از رفتار و کارهای بزرگ‌ترهاست و محیط زندگی و جنسیت نیز در نوع آن تأثیرگذار است. مهیار پسر مسعود که در خانه آپارتمانی و شهری زندگی می‌کند، بازی‌هایش نیز حال و هوای شهری دارد. «مهیار وسط‌ها ماشین‌هایش را قطار کرده، ماشین پلیس جلو همه ماشین‌ها ایستاده و ماشین آتش‌نشانی پشت سرش است.» (همان: ۳۴)

در پایان جا دارد به این نکته اشاره شود که به‌کارگیری نشانه‌های اجتماعی در رمان خاله‌بازی بسیار گسترده‌تر از آن است که در یک نوشتار بیست‌صفحه‌ای بتوان همه آن‌ها را مورد بررسی قرارداد، بنابراین در این مقاله نگارنده به مواردی انگشت شمار با مثال‌های اندک بسنده کرده‌است و از طرفی بحث و بررسی اساسی در مورد هر یک بخش‌های آن به مقاله و بحث و بررسی جداگانه نیاز دارد.

۴- نتیجه گیری

در این نوشتار رمان خاله بازی اثر بلقیس سلیمانی بر پایه نظریات نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌یر گیرو مورد بررسی قرار گرفت و مشخص گردید در این رمان نشانه‌های بسیاری نمود پیدا کرده‌اند و سلیمانی به شکلی شایسته و در خور توجه توانسته است از ظرفیت نشانه‌شناسی، بخصوص نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌یر گیرو، در جهت انعکاس واقعیت‌های جامعه معاصر و همچنین مشکلات و رنج‌های زنان در دو محیط زندگی شهری و روستایی استفاده کند. تفاوت عمده این تحقیق با پژوهش‌های به عمل آمده با این رویکرد در این است که هر کدام از آن‌ها تجلی‌گاه مسائل اجتماعی زمان گذشته بوده‌اند و نویسندگان آن‌ها با کاربرد نشانه‌های اجتماعی، نمای دقیقی از هویت افراد و گروه‌ها و آداب معاشرت اجتماعی عصر خویش را ترسیم نموده‌اند، ولی رمان خاله بازی بیشتر از هر متن دیگر به زمان ما نزدیک‌تر بوده و یک متن واقع‌گرایانه محسوب می‌شود و نشانه‌های به کار رفته در آن برای خوانندگان ایرانی ملموس‌تر است.

در این اثر، بهره‌گیری چشمگیر نویسنده از نشانه‌های هویت، همچون نام‌ها و القاب، پوشاک، خوراک، زیورآلات، مشاغل مختلف، مکان‌های زندگی و... در سرتاسر رمان مشهود است. در زمینه آداب معاشرت نویسنده توانسته است برای بازتاب واقعیت‌های تلخ جامعه، عقاید خرافی و واپس‌گرایانه بخصوص در حق زنان در قالب سنت‌ها و رسوم و قوانین دینی و مذهبی و اجتماعی روا داشته می‌شود به درستی عمل کند و از نشانه‌های گوناگون آداب معاشرت همچون اطوارپژوهی و ارتباط غیرکلامی، توهین، لحن کلام حداکثر استفاده را بنماید و همچنین توانسته است از این دیدگاه بسیاری از ابعاد جامعه معاصر ایران، همچون دورنمایی از زندگی شهری و روستایی، آداب و رسوم مردم عصر خویش را به نحو احسن بازتاب دهد. به طور خلاصه می‌توان گفت سلیمانی به یاری این نشانه‌ها، اوضاع اجتماعی، اقتصادی، ملی، فرهنگی، اخلاقی و روانی جامعه خود را بیان می‌کند.

بررسی نشانه‌های هویت همچون نام‌ها و القاب نشان می‌دهد، نام‌های زنان روستایی افشاکننده هویت روستایی صاحبان این نام‌ها هستند. بیشتر اسامی زنان روستا با طبیعت و محیط زندگی روستائیان ارتباط

تنگاتنگی دارند و معانی اسم این افراد به دارندگان آن هویت روستایی می‌بخشند. علاوه بر آن بسیاری از اسامی به‌کاررفته در این رمان از هویت دینی و مذهبی و اعتقادات آن‌ها حکایت دارد. با بررسی نام‌های روستایی و شهری این رمان مشخص می‌گردد، گرایش مذهبی افراد روستایی بیشتر از محیط شهری است. با بررسی نام‌های شهری و روستایی مشخص می‌گردد که در جوامع شهری و محیط‌های اداری و دانشگاهی در ایران بیشتر افراد با نام خانوادگی و پیشوند آقا یا خانم و شاخص‌هایی مخصوص شغلی مثل دکتر و مهندس شناخته می‌شوند تا با نام کوچکشان.

شاخص‌هایی مثل خان، حاجی، دکتر، مهندس و... از طبقات اجتماعی بالاتر و آقا و خانم دلالت بر مردم عادی و القابی مثل آفو، یدو دراز، نیاز دنبه و... نشانگر پایگاه اجتماعی پایین این افراد هستند. در بررسی مشاغل مشخص گردید که مشاغل افراد با طبقه اجتماعی و وضع اقتصادی و محل زندگی‌شان ارتباط تنگاتنگی دارد. نوع پوشاک و زیورآلات در رمان سلیمانی بیانگر فرهنگ مردم، طبقات اجتماعی افراد در محیط شهری و روستایی هستند و گاهی لباس می‌تواند نشانگر هویت و تعلق شخص به گروه خاصی تلقی شود.

سلیمانی در زمینه آداب معاشرت از نشانه‌های اجتماعی همچون لحن کلام و توهین و اطوارپژوهی گاهی آگاهانه و زمانی ناآگاهانه بهره‌می‌گیرد و بسیاری از این نشانه‌ها از سبک زنانه نویسی وی حکایت دارند. در این رمان با طیف گسترده‌ای از ارتباط غیرکلامی مواجهیم که با تحلیل هرکدام از آن‌ها می‌توان به شخصیت افراد پی‌برد. حالت‌ها و رفتارهایی چون خیره نگاه کردن، گریه کردن، متوقع بودن، متحیر شدن و... نشانه‌هایی هستند که از بررسی آن‌ها می‌توان به پیام نهفته در ورای آن‌ها دست یافت.

روبوسی کردن برای ابراز محبت، همدلی و صمیمیت، بدرقه مهمان تا دم در پذیرایی با خرما و چایی و فاتحه‌خوانی برای مردگان، نشانه‌هایی از آداب و معاشرت مذهبی ایرانیان است و گاهی ریشه فرهنگی و سنتی دارند. علاوه بر آن بسیاری از قوانین و قواعد زندگی از ایدئولوژی حاکم بر محیط دانشگاه و جامعه حکایت دارند: مثل قانون رعایت حجاب اسلامی و رعایت حدود محرم و نامحرم در چنین محیط‌هایی.

یک نظر اجمالی به عنوان رمان خاله بازی نشان می‌دهد که کل این رمان در حقیقت یک بازی محسوب می‌شود که زندگی واقعی افراد بر مبنای اصول و قواعد آن جریان پیدامی‌کند و هر یک از این اصول و قواعد که باید در این بازی رعایت شوند به نوبه خود نشانه محسوب می‌شوند.

منابع و مآخذ:

- ۱- آلن، گراهام، (۱۳۸۵)، «رولان بارت»، ترجمه پیام یزدان جو، تهران؛ نشر مرکز.
- ۲- اسکولز، رابرت، (۱۳۸۳)، «درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات»، ترجمه فرزانه طاهری، چاپ دوم تهران: آگه.
- ۳- اکو، امبرتو، (۱۳۸۷)، «نشانه‌شناسی» ترجمه پیروز ایزدی. تهران: نشر ثالث.
- ۴- براهنی، رضا، (۱۳۶۲)، «قصه‌نویسی» چاپ اول، تهران: نشر نو.
- ۵- بلوکباشی، علی، (۱۳۸۳)، «مقدمه بر کتاب پوشاک در ایران زمین» چاپ دوم ف تهران: امیرکبیر.
- ۶- پیرس، چارلز سندرز، (۱۳۸۱)، «منطق به مثابه نشانه‌شناسی؛ نظریه نشانه‌ها». ترجمه فروزان سجودی. زیبا شناخت، (۶) ۵۱-۶۴.
- ۷- حسن نژاد، سودابه، (۱۳۹۴)، «تحلیلی بر نشانه‌شناسی لباس در آثار بهرام بیضایی» (نمونه‌های مورد مطالعه:
- ۸- سگ‌کشی، مسافران) پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش هنر، دانشگاه اردکان.
- ۹- حیاتی، زهرا، (۱۳۸۶)، «از هویت ایرانی»، تهران، سوره مهر.
- ۱۰- جوادی یگانه، محمدرضا و کشفی، سیدعلی. (۱۳۸۶). «نظام نشانه‌ها در پوشش». مطالعات راهبردی زنان (کتاب
- ۱۱- زنان)، ۱۰(۳۸) علوم اجتماعی)، ۶۲-۸۷.

- ۱۲- جوادی، سارا و همکاران، (۱۴۰۰)، «بازنمود نشانه‌های هویت اسلامی در رمان الرجل الذی آمن بر پایه نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌یر گیرو» جامعه‌شناسی هنر و ادبیات (نامه علوم اجتماعی)، ۱۳(۱)، ۲۰۷-۲۲۹.
- ۱۳- ساسانی، فرهاد، (۱۳۸۹)، «معناکاوی: به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی»، تهران: علم.
- ۱۴- سلیمانی، بلقیس، (۱۳۸۷)، «خاله بازی» چاپ اول، تهران: نشر ققنوس.
- ۱۵- کار، مهرانگیز، (۱۳۷۶)، «حقوق سیاسی زنان ایران»، انتشارات روشنگران، تهران.
- ۱۶- کنعانی سمیرا، ایرانی محمد، یوسفی نورالدین، (۱۴۰۲)، «بررسی کارکردهای پوشاک و زیورآلات در دیوان قانع بر اساس رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌یر گیرو، مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران»، ۱۱(۴): ۱۴۱-۱۶۷.
- ۱۷- کوئن، بروس، (۱۳۸۸)، «درآمدی بر جامعه‌شناسی»، مترجم، محسن ثلاثی، تهران: طوطیا.
- ۱۸- گرجیان دارد کاشتی، رحیمه، پژوهش، پرنوش و اوجاقعلی زاده، شهین، (۱۴۰۲)، «تحلیل و نقد نشانه‌شناسی اجتماعی مخزن‌الاسرار نظامی با تکیه بر نظریه هویت پی‌یر گیرو». فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی، ۶(۴): ۵۲-۳۹.
- ۱۹- گری، مارتین، (۱۳۸۲)، «فرهنگ اصطلاحات ادبی»، مترجم منصور شریف‌زاده، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۲۰- گیرو، پی‌یر، (۱۳۸۳)، «نشانه‌شناسی»، ترجمه محمد نبوی، تهران: آگه.
- ۲۱- فاولر، راجر، (۱۳۸۷)، «زبان‌شناسی و رمان»، ترجمه محمد غفاری، چاپ اول، تهران: نی.
- ۲۲- فرهنگی، سهیلا و باستانی خشک بیجاری، معصومه. (۱۳۹۳). نشانه‌شناسی اجتماعی رمان بیوتن. نقد ادبی، ۷(۲۵)، ۱۵۱-۱۲۱.
- ۲۳- عبدالخالق، نادر احمد، (۲۰۰۹)، «الشخصیه الروائیة بین علی باکثیر و نجیب الکیلانی دارسه موضوعه و فنیه»، مصر: دارالعلم والایمان

- ۲۴- علوی مقدم، مهیار، (۱۴۰۰)، «کارکرد معیارهای نشانه‌ای ساختاری و نقشی در تحلیل فرایند زایشی معنا و دلالت پردازی در نظام نشانه‌ای زبانی و ادبی»، مجله مطالعات زبانی و بلاغی، دانشگاه سمنان، ۱۲(۲۴): ۳۷-۶۶.
- ۲۵- عمران پور، محمدرضا، (۱۳۸۴)، «عواملی ایجاد تغییر و تنوع و نقش لحن در شعر. پژوهش‌های ادبی ۹(۱۰): ۱۵۰-۱۲۷.
- ۲۶- عموری، نعیم، خلیلی پروین، (۱۳۹۹)، «نشانه‌شناسی اجتماعی مقامات حریری با تکیه بر نظریه پی یر گیرو»، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، ۱۲(۱): ۱۷۷-۱۵۷.
- ۲۷- طایفی، شیرزاد، مدنی رزاقی، مرضیه، (۱۴۰۱)، «خوانش انتقادی رمان (نام تمام مردگان یحیاست) با رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی پیر گیرو». مطالعات زبانی و بلاغی، ۱۳(۳۰): ۱۹۴-۱۶۷.
- ۲۸- طیب، محمد تقی و علی نژاد، بتول، (۱۳۸۳)، «بررسی گرایش‌های جدید نامگذاری در اصفهان از دیدگاه زبان‌شناسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (مطالعات و پژوهش‌های دانشکده ادبیات و علوم انسانی) ۲(۳۳-۲۲)، ۵۸-۲۳.
- ۲۹- لویی، ژان کالوه، (۱۳۷۹)، «درآمدی بر زبان‌شناسی اجتماعی»، (محمدجعفر پوینده) تهران: انتشارات نقش جهان.
- ۳۰- مالمیر محمدابراهیم، یوسفی سحر، (۱۴۰۲). «نشانه‌شناسی اجتماعی مقتل سرالأسرار جلیلی کرمانشاهی از منظر پی یر گیرو»، مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران: ۱۱: (۳): ۱۱۱-۱۳۷.
- ۳۱- مکاریک، ایرنا، ریما، (۱۳۸۳)، «دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر»، ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی، چاپ دوم، تهران: آگه.
- ۳۲- میردیکوندی، رحیم، (۱۳۷۹). «شغل، رضایت شغلی و روش‌های ارزیابی آن»، معرفت شماره ۳۸: ۷۷-۶۴.

- ۳۳- نقابی، عفت و اکبری، مهناز. (۱۳۹۹). «تحلیل اجتماعی-فرهنگی سفرنامه حاج سیاح برپایه نظریه نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌ریکرو». زبان و ادبیات فارسی (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی)، ۲۸(۸۸)، ۳۰۳-۳۲۳.
- ۳۴- نوری، علیرضا، (۱۳۸۱). «معیارهای اسلامی پوشش زنان و الگوی مصرف آن»، اندیشه صادق ۹-۸: ۱۲۲-۱۲۹.
- ۳۵- ون لیوون، تئو، (۱۳۹۵)، «آشنایی با نشانه‌شناسی اجتماعی»، ترجمه محمد نوبخت، چاپ اول، تهران: علمی.

36- Abrams, M.H., & Harpham, G. (2009). A Glossary of literary terms. Boston Wadsworth Cengage learning.##

37- Olson, Eric T. (2002). Personal Identity. Stanford Encyclopedia of Philosophy. First published.##

38- Jacobson. (1998). Islam in transition London: routledge.##